

رمان ایران

«به نظر من این طور می‌رسد که در بین شیوه‌های بیان هنری، در مجموع آنکه از همه شرایط گوناگون بیشتر جامع است، رمان است. اصلاً شبیه رمان نمی‌شود چیزی را پیدا کرد. رمان هم ترجمه می‌شود، هم همه جا می‌رود، هم می‌ماند، هم کهنه نمی‌شود.»

آیت‌الله خامنه‌ای

مقدمه:

این مطلب (مصاحبه با مسئول دفتر مطالعات ادبیات داستانی) قبل از برگزاری «سمینار بررسی مسائل رمان» در ایران تهیه شده بود ولی به دلیل اینکه سه شماره پی‌درپی ماهنامه ادبیات داستانی به موضوع جنگ، ادبیات کهن و داستانهای انقلاب اختصاص داده شده بود موفق به چاپ آن نشدیم.

■ دفتر مطالعات ادبیات داستانی در برپایی سمینار مسائل رمان ایران چه انگیزه‌ای داشته است؟

□ بسم‌الله الرحمن الرحیم. مسئله رمان امروزه در جامعه ما یک مسئله اساسی است، و به عنوان یک ابزار برجسته در انتقال پیام و شکل دادن به ذهنیتها و ایجاد یک دنیای متفاوت و یا برجسته‌تر از آنچه در پیرامون ماست. رمان می‌تواند رخدادها را به شیوه برجسته‌تری نشان دهد. به رغم اینکه این همه امکانات تصویری (مثل سینما، تلویزیون، ویدئو، ماهواره و نظایر آن) وجود

دارد، باز هم مردم از رمان و ادبیات داستانی بی‌نیاز نبوده‌اند و از رمان استقبال می‌کنند. این استقبال در این واقعیت نهفته است که خواننده با نویسنده شریک می‌شود و داستان را در ذهن خود دوباره‌سازی می‌کند. با تصویرسازی از چهره شخصیتها و رخدادها و با تکیه بر تجربه‌های خود، هر خواننده، رمان دیگری در ذهن خود می‌آفریند. تأثیر رمان به گونه‌ای است که خواننده نمی‌تواند دنیای ذهنی خود را رها کند. خواننده در هر سن و سالی که باشد، برداشت خاصی از رمان دارد؛ برای مثال، تفسیر ژرژسینال امیل زولا در پانزده سالگی با بیست و پنج سالگی متفاوت است، و در چهل و پنج سالگی با تفکر دیگری خواننده می‌شود. رمان در سنین مختلف با دیدگاههای متفاوت خواننده می‌شود، درحالی که در دنیای تصویر و سینما بیننده منفعل است و ذهنیت محدودی دارد و کارگردان و فیلمنامه‌نویس تصویر را برای او انتخاب می‌کنند. مثلاً در زن سی ساله بالزاک توصیفی از این زن می‌شود، اما ما در ذهن خود تصویری اثیری و بسیار زیبا از او می‌سازیم. اگر همین نقش را در سینما به بهترین زن بدهند، آنچه ما ساخته‌ایم نمی‌شود؛ زیرا ما تصویری غیرمادی از او در ذهن داشته‌ایم. این در مورد سایر چیزها نیز قابل تسری است.

نیاز ما به رمان برای انواع کاربردهایش است. رمان ذهن را شکل می‌دهد و تأثیر آن غیرمستقیم و بطئی و آرام است. درحالی که در قصه کوتاه - که به شعر نزدیک‌تر است - حرکت ذهنی سریع و معمولاً تأثیرش

کوتاه مدت است. تأثیر یک رمان خوب سالها در ذهن می‌ماند، و بدون توجه ما، رفتارمان را جهت می‌دهد. دلایل دیگری نیز می‌توان برای اهمیت رمان برشمرد. در این دنیایی که پر از مشکلات و دغدغه است ما با رمان می‌توانیم فضایی سرشار از آرامش برای خود بسازیم. حتی اگر نقش کاربردی رمان را نادیده بگیریم، این نقش آرامش بخش آرامش‌بخشی را نمی‌توان نادیده گرفت. با توجه به مجموعه کاربردهای رمان، باید دید چرا ما در ایران نتوانسته‌ایم رمانهایی به وجود آوریم که نقشهای گفته شده را داشته باشد.

یکی از دلایل اصلی برپایی این سمینار، همین است: «چرا رمان ما قدرت مناسب خود را ندارد؟»

در گذشته ما دموکراسی را تجربه نکرده‌ایم. رابطه تنگاتنگی بین رمان و دموکراسی وجود دارد، زیرا مخاطب رمان مردم‌اند. اما در افسانه و داستان، قشر خاصی موضوع هستند. ادبیات کلاسیک ما، با همه عظمت خود، خطابش به مردم نیست، و تنها با حضور یافتن روزنامه‌ها و مطبوعات، مردم مخاطب قرار گرفتند و برای مردم نوشتن شروع شد. حتی در داستانهای منظوم ما، کمتر داستانی متعلق به مردم است. خسرو و شیرین به پادشاهان می‌پردازد. لیلی و مجنون اشراف‌زاده هستند و مجتوای آن را هم مردم نمی‌فهمند. تنها قصه مردمی شاهنامه بود، که گرچه در مورد زندگی شاهان بوده، اما با نقالی مردمی شده بود. در تاریخ گذشته ما چیزی به نام داستان نیست، به همین خاطر معادل مناسبی برای ناول، استوری و رمان نداریم. داستان